

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۱ نومبر ۲۰۱۱

اهداف ستراتیژیک امریکا در کنفرانس استانبول

اجتماع دوم نومبر استانبول که در ظاهر برای تأمین امنیت افغانستان تشکیل شده بود، اهداف دیگری داشت: تحکیم موضع امریکا در آسیای مرکزی، جنوب آسیا و تضييف سازمان همکاری شانگهای. با وجود صدور یک اعلامیه مشترک متحدالمال که جزء مسایل تشریفاتی اجتماعات بین المللی است، امریکا در مجموع به اهداف ستراتیژیک خود نایل نشد. برای یک قدرت بزرگ جهانی، نرسیدن به هدف، شکست در صحنه سیاست منطقه ئی و یا جهانی تلقی می گردد.

کلنن سفر ستراتیژیک خود را از اسلام آباد آغاز کرد تا به دلجوئی پاکستان پرداخته و این کشور را برای رسیدن به اهداف مهم تر در استانبول مورد نوازش قرار دهد. موفقیت در استانبول می توانست نوید خوبی برای کنفرانس استعماری بن دوم باشد. من در مضمون ۳۱ اکتوبر خود زیر عنوان **"امریکا بار دیگر افغانستان را به پاکستان فروخت"** یک قسمت از یورش سیاسی و دیپلماتیک امریکا را مورد ارزیابی قرار دادم. اکنون آن را در چوکات وسعیتز منطقه ئی تحلیل می نمایم که امریکا از اجتماع استانبول چه می خواست که بر آورده نشد.

کشور های اشتراک کننده عبارت بودند از همسایگان افغانستان و کشور های ذیدخل در بحران این کشور که مشتمل می شدند بر هند، چین، پاکستان، ایران، عربستان سعودی، قزاقستان، قزغزستان، روسیه، تاجکستان، ترکمنستان، ترکیه، امارات متحده عرب و امریکا (کشور حاکم). نمایندگان ناتو، اتحادیه اروپائی و ملل متحد هم حاضر بودند تا در ظاهر برای حل بحران افغانستان اما در اصل طرح ستراتیژیک امریکا مهر تأیید بگذارند.

اجتماع استانبول نام بزرگی را با خود حمل کرد: **"امنیت و همکاری در قلب آسیا"** که می توانست مقلد سازمان امنیت و همکاری اروپا شود و بدین نحوه، ناتو درین قسمت جهان فرصت آزاد برای تعرضات بعدی به دست آورد. محل کنفرانس عمداً شهر استانبول ترکیه پایتخت بیزاننن انتخاب شد. ترکیه یک کشور اسلامی است اما در عین وقت متحد ستراتیژیک امریکا. یک تعداد از طیارات جنگنده اف ۱۶ (F-16) و سایر مهمات نظامی امریکا در ترکیه تولید می شود که این امتیاز را حتی اکثر کشور های اروپای غربی هم ندارند. بعد از اسرائیل، ترکیه از اعتبار خاصی نزد واشنگتن برخوردار است. امریکا کمترین مشکلی با روش های سیاسی دیپلماتیک حزب به سر

اقتدار اسلامی ترکیه ندارد و هیچ گونه تشویشی هم در خلق تشنج (؟) بین تل ابیب و انقره ابراز نکرده است، گویا همه امور برای بالا بردن حیثیت ترکیه در منطقه از قبل چنین تنظیم شده است.

کنفرانس استانبول عوض این که توجه خود را کاملاً بر موضوع افغانستان متمرکز بسازد، بسوی تأمین اهداف ستراتیژیک امریکا رفت که ترکیه در آن نقش کلیدی داشت. از همین جا بود که با مقاومت و مخالفت کشور هائی مانند روسیه، پاکستان، ایران و یک تعداد دیگر کشور های منطقه مواجه گردید. امریکا و ترکیه سعی نمودند که حد اقل یک گروه کار و مشورتی را غرض رسیدن به هدف تأسیس نمایند، اما با مقاومت شدید پاکستان و ایران مواجه گشتند. پاکستان ادعا نمود که زمان جنگ سرد سپری شده و ضرورتی برای تأسیس همچو سازمان های امنیتی جدید نمی بیند. مکانیزم فعلی برای تأمین امنیت و پیاده کردن صلح در افغانستان و منطقه کافی است و می تواند از حمایت کشور های همسایه هم برخوردار شود. روسیه و چین هم جانب پاکستان را گرفتند و طرح امریکا را در بطن خنثی نمودند. هند هم آرزو نداشت که به خاطر خوشی واشنگتن، بهبودی نسبی اخیر خود را با اسلام آباد بریاد دهد. هند در رویارویی چند ماه اخیر واشنگتن و اسلام آباد، خود را کنار کشید و مانند گذشته جانب امریکا را نگرفت و صرف به حیث مشاهده نظاره گر بود. هند درک کرد که امریکا از یکسو می خواهد ماهرانه هند را علیه چین استعمال نماید و از جانب دیگر، مناسبات دهلی و اسلام آباد را به نفع خود برهم زند بدون این که کدام تعهدی به دهلی بدهد. هوشیاری کشور های منطقه، ضربه دیگری بر دیپلماسی "تفرقه بینداز و حکومت کن" واشنگتن محسوب می گردد.

امریکا چهار هدف اساسی از اجتماع استانبول و تشکیل سازمان جدید امنیتی آسیائی داشت:

۱. به پاکستان دست آزاد در افغانستان دهد تا بتواند اسلام آباد را در چنگال امنیتی غرب نگهدارد و در نتیجه تأسیسات اتمی این کشور را مستقیماً زیر نظارت خود و ناتو قرار دهد. پاکستان به این نیت امریکا پی برد.

۲. سازمان جدید امنیتی نقش تعیین کننده به امریکا و ناتو در منطقه بعد از سال ۲۰۱۴ یعنی به اصطلاح خروج احتمالی امریکا از افغانستان می داد و به پیمان استعماری "ستراتیژیک امریکا و افغانستان" مشروعیت بیشتری می بخشید. در صورت موفقیت، امریکا و ناتو می توانستند که طبق میل در هر زمانی به یک کشور مورد نظر در منطقه تجاوز نمایند.

۳. امریکا می خواست که با طرح جدید امنیتی، از اهمیت سازمان همکاری شانگهای بکاهد و نفوذ ستراتیژیک چین و روسیه را منهدم نماید و ناتو را بر تمام آسیا مسلط سازد. امریکا به این هدف نرسید. بعید نیست که چین و روسیه به زودی درب سازمان همکاری شانگهای را به روی سایر کشور ها هم باز نمایند و عضویت درین سازمان را وسعت دهند که بهتر از گزند احتمالی امریکا و ناتو مصون شوند.

۴. امریکا متصور بود که سازمان جدید امنیتی می تواند پشتیبان طرح "راه جدید ابریشم" گردد. این طرح در صورت موفقیت می توانست افغانستان را به حیث مرکز تقاطع اتصال جنوب آسیا و آسیای مرکزی مبدل گرداند و در زیر پوشش همکاری منطقه ای، امریکا بر منطقه حاکم شود.

امریکا به هیچ یک از اهداف خود در استانبول نرسید و کنفرانس صرف با یک اعلامیه پایان یافت. کشور های منطقه به نیت اصلی امپریالیستی امریکا پی بردند که چه مصیبتی در انتظار آنها خواهد بود. نقش ترکیه منحیث پیش کرده امریکا در تشویق و ترغیب کشور های منطقه بی نتیجه ماند و دلجوئی امریکا از پاکستان برای پذیرش طرح جدید در حال کنونی عقیم گردید. اعتبار امریکا در منطقه رو به کاهش بوده و تجاوزات پی در پی امریکا

هم کشور های منطقه را متوجه این خطر تباه کن ساخته است. ناکامی در استانبول، کنفرانس استعماری بن دوم را به تاریخ خواهد سپرد و اشتراک کنندگان برای دهمین سالگرد بن اول به نطق های بی تأثیر دیپلماتیک اکتفاء خواهند کرد.